



۲۰۱۷/۰۸/۱۷



پردیس سبکی خیل

عرایضی خدمت جناب حلیم حکیمی

جناب حکیمی امیدوارم در کمال صحت و عافیت باشید!

تبصره های خوب شما را گاه و بیگاه به کمک دکشنری و یا کدام دوستی مطالعه مینمایم. ای کاش شما میتوانستید به دری یا پشتو بنویسید. تا همه از عمق نظر جناب عالی مستفید میگردیدیم. البته این تقاضای من باید به هیچ وجه همانند و همردیف با تقاضای غیر افغانی و ضد ملی آغای سیستانی که میخواهد مضمون بی سر و پای داکتر تره کی به دری ترجمه گردد، تلقی نگردد زیرا اشاره افغانی من در مورد یک زبان بیگانه است نه از خودی ... و اما بعد، شما فرموده اید: "لطفاً به پراگراف اول توجه نمائید که زبان ارزشمند و بزرگ پشتو را بدون اینکه از آن آگاه باشد، چگونه تحقیر می کند." در جمله بالا عبارت "بدون اینکه از آن آگاه باشد" میرساند که شما هنوز هم این پلنگ ملنگ نما را خوب نشناخته اید. او خوب آگاه است و بسیار هم آگاهانه درین هیزم تیل می پاشد. این بار اول نیست که سیستانی مسأله پشتون و تاجک و یا پشتو و دری را دامن میزند. هر فرصتی به این پرورده "کا. گی. بی" دست میدهد از تفرقه اندازی بین اقوام برادر دریغ نمی نماید. همین کاندید اکادمیسین یعنی مالم سیستانی بود که در زمان عضویتش در هیأت رئیسه شورای انقلابی ببرک، وزارت را برای تفرقه اندازی و ایجاد دشمنی و اشتعال حساسیت های بین القومی به نام وزارت "اقوام و ملیت ها" تأسیس و در فرمان ایجاد آن مفتخرانه و "به پیش گویان" امضاء نمود. اگر شما به آرشیف او مراجعه نمایید به کرات به این نوع مسایل ضد ملی و افغانی و توهین آمیز بر میخورید. او میگوید که "سؤال من از صاحب نظران پشتون این است که آیا این مقاله را خوانده اند و چیزی از آن فهمیده اند یا خیر؟ اگر خوانده و فهمیده باشند، ایجاب می کرد و میکند تا احساس خود را در تأیید یا تردید محتوای آن ابراز می نمودند" اولاً مالم صاحب آگاهانه فهم و سواد پشتون ها را مورد سؤال قرار میدهد آنهم دو بار در یک جمله. آیا این توهین نیست؟ آیا مالم سیستانی فکر میکند که خواندن و نوشتن را تنها او یاد دارد؟ به گمان بنده این نوع اظهارات صرف و صرف ریشه در عدم موفقیتش در اهراز مقام اکادمیسین دارد و بس، که از نگاه روحیات عقده یی هست بس دردناک.

این شخص آسان یافته که فقط با اضافه کردن عبارات و جمله هایی از قبیل "و اضافه میکند" و یا "ادامه میدهد" و یا "او مینویسد که" و غیره در شروع هر پاراگراف، آثار دیگران را به نام "تکمله" نشخوار نموده، به نام مقاله یا مضمون خود به نشر برساند. بهترین مثال درین مورد تکمله جناب شان در مورد تذکره انقلاب کاتب است. آقای کاندید اکادمیسین که الحق گوی پر کاری را از همه ربوده اند. تا حال متوجه نیستند که معنی تکمله چی است و با اضافه نمودن چی چیزی تذکره انقلاب را تکمیل نموده است؟ و در کتاب "عیاری از خراسان" چه چیزی فراموش

استاد خلیلی شده بود که مالم سیستمی آنرا در ۸ بخش تکمیل گردانیده باشد؟ آیا این شخص که حال مگس هر دوغ است فرق میان تکمله و نقد، تبصره، مکث، تقریظ، تشریح، رد و غیره را می داند؟ **در مضمون آخری اش به دفاع از دو هم مسلک دیگرش جلالر و حسن شرق، مارهای آستین سردار شهید می براید تا یار و یآوری برای تیرنه خود داشته باشد.**

گفتنی در مورد مضمون داکتر تره کی درین مختصر نمی گنجد و یا بهتر است گفته شود که به وقت گران بهای ما و شما نمی ارزد. آغای تره کی به همه معلوم است که چی سیاستاً و چی به اصطلاح از روی زمانه و یا شاید هم به اساس عقاید ایدیالوژیکی شخصی خود وقتاً فوقتاً مضامینی به نشر می سپارد که مذبحخانه تلاش دارد طالبان را به نام "مقاومت مسلح ملی" بالای افغان ها بقبولاند و با این هویت به دنیا بشناساند. ولی چون میداند این ادعایش خواب است و خیال و جنون، حال با نشر این مقاله خواسته است قوم پشتون را حامی و مترادف با طالب معرفی نماید تا به نظر بی اساس خود وزن بیشتری بدهد. به عبارت دیگر یا آگاهانه و یا از منتهای سادگی که از یک داکتر علوم سیاسی بعید به نظر می رسد، در حقیقت درز نفاق را در بین اقوام برادر افغان وسیع تر ساخته و دود را به آتش مبدل می سازد و نمی داند که تمام معضل افغانستان چیزی جز تجارت و پول سازی مافیای پاکستانی با همکاری یک مشت بی فرهنگ و جانی و بی وجدان به نام دین و طالب نیست و همین دلیلش است که دولت افغانستان موفق نشده است جانی را با اجندای سیاسی و هدف مشخصی دریابد تا به آن داخل مذاکره شود. (بزرگترین موفقیت شان آمدن یک دوکاندار از کویته و چپاندن دو لک دالر بیوه و یتیم به حبیش بود). آغای تره کی اگر به این اندازه دلسوز پشتون هاست، در مقابل چرندیات محیب الرحمن در تلویزیون طلوع چرا در افشانی کرده نمیتوانست؟

آمدن قوای خارجی به افغانستان صرف برای پشتون کشی؟ یعنی چی؟ و یا پلان تسخیر آسیای میانه به هدف تصاحب ذخایر نفتی و غیره منابع از راه افغانستان؟ این ها همه فانتازی ای بیش نبوده و داکتر تره کی فراموش میکند که در قرن بیست و یکم تشریف دارند نه در دور سیاه استعمار قرون ۱۸ و ۱۹ که استثماریون به زور خود آنچه میخواستند به دست می آوردند. این میرساند که داکتر تره کی با دوربین سلطان محمود آنهم سر چپه عصر حاضر را تماشا میکند. سیستمی ها و باقی پروردگان بر حال و یا متقاعد سازمان های جاسوسی، مترصد همچو فرصت ها بوده و بمجرد انتشار افواها نادرست، غلط و بی اساس تره کی ها، بمنظور مغشوش ساختن اذهان عامه و پرده پوشی کار های سیاه خود و شستن دستان خون آلود شان چکچک زنان وارد صحنه شده و خواهان ترجمه و تکثیر آن میشوند. خلاصه تا دست چنین اشخاص از دامن مام وطن به هر ترتیبی که هست، کوتاه نگردد و جلو این نوع وطن فروشان گرفته نشود، محال است ملت مظلوم ما روی آرامش را به این زودی ها ببیند. زیاد نوشتن و انبار نمودن چرندیات این یکی و استعمال کلمات "که کته" و چرب آن دیگری که از زمان تحصیل یادش مانده به هیچ وجه درمانگر آلام این مرز و بوم بوده و شده نمیتواند و اگر وظیفه دار نیستند توصیه من برایشان این است که بیشتر ازین افغان ها را نرنجانده و این ملت داغیده و زخمی را به حال خود بگذارند. دانایان و ملیگرایان را میباید تا مثل جرمنی و جاپان و کوریا و هند و فلپین و سنگاپورو امثالهم از چانس های طلایی که نصیب شان شده حد اکثر استفاده را نموده و آن جایی برسند که رسیدند، نه آنجایی بیافتند که افتاده ایم.

شما جناب حکیمی صاحب بکلی درست فرموده اید که "از ماست که بر ماست"
حضرت حافظ شیرازی «لسان الغیب» به متحجرین از غیب سروش می دهد که:

در بساط نکته دانان خود فروشی شرط نیست یا سخن دانسته گو ای مرد دانا یا خموش

غزل شماره ۲۵۲

پردیس سیاکی خیل از علاء الدین کابل
۲۷ سرطان ۱۳۹۵ هـ ش